

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اختلاف نظر مرحوم امام در مکاسب محرمة با تحرير الوسيلة

نکته اي را به عنوان تتمه بحث گذشته عرض مي کنم، که امام(رض) با اینکه در مکاسب محرمة بحث استدلالی میته ای که دم سائله ندارد - مثل ماهی - فرموده اند: اگر به قصد منفعت محله باشد بیعش مانعی ندارد، و تقریباً مسئله را به وضوح گذرانده اند. اما در کتاب تحرير الوسيلة فرموده اند که احتیاط وجوبی ترک این بیع است. قبلاً هم عرض کردم که ما تا به حال بین تحرير الوسيلة و بحث استدلالی امام در مکاسب محرمة مواردی برای اختلاف پیدا کردیم. قبلاً هم عرض کردیم که در مکاسب محرمة فرموده اند بیع اعیان نجسته مطلقاً اشکال دارد ولو فرض منفعت محله عقلائیة هم بشود، اما در تحرير الوسيلة عکس این مطلب را نظر دارند. یا باید بگوییم از جهت زمانی نگارشش مختلف بوده است، یا اینکه بزرگان در کتابهای استدلالی و مباحث استدلالی ممکن است به یک نظر برسند، اما در مقام فتوا جهات دیگری را هم برای فتوا دادن رعایت می کنند باید یکی از این دو توجیه را کرد. در این مسئله سوم مکاسب محرمة تحرير الوسيلة می فرمایند: «وفي جواز بيع الميتة الطاهرة» میته طاهرة، یعنی میته حیوانی که دم سائله ندارد «کالسمک و نحوه اذا كانت له منفعة ولو من دهنه، اشکال، لا یترک الاحتیاط» یعنی احتیاط وجوبی کرده اند در اینکه بیعش انجام نشود.

مسأله ششم: بیع سگ و خوک و اجزاء آیندو

ما در بحث مکاسب محرمة بر ترتیبی که در مکاسب شیخ است بحث کردیم. مرحوم شیخ فرموداند نوع اول از مکاسب محرمة بیع اعیان نجسه است و تا به حال شش مورد را مطرح فرمودند و بحث کردیم و اکنون می فرمایند «يحرّم التکسب بالکلب الهرّاش و الخنزير البريين اجماعاً علي الظاهر المصرح به في المحکي عن جماعة، و کذلک اجزائهما. نعم لو قلنا بجواز استعمال شعر الخنزير و جلده، جاء فيه ما تقدّم في جلد الميتة».

در این مسئله مرحوم شیخ سه عنوان را محل بحث قرار می دهند؛ یکی کلب، دوم خنزیر، سوم اجزاء اینها. می فرمایند آنچه که محل بحث ما است کلب و خنزیر برّین است، در مقابل سگ و خوک دریایی. علماء در مورد سگ و خوک دریایی قائل به طهارت هستند ولی سگ و خوکی که در خشکی است محکوم به نجاست است، و چون مرحوم شیخ در اعیان نجسه بحث می کند سگ و خوک دریایی که جزء اعیان طاهرة است را بحث نمی کند. در یک روایتی وارد شده است که میان بري و بحري تفصیل وجود دارد.

فرمایش مرحوم خوئی(ره)

مرحوم آقای خوئی(ره) در کتاب مصباح الفقاهه فرموده اند «بل الظاهر انهما من اقسام السمک غیر المأكول». سگ و خوک دریایی از اقسام ماهی هستند، منتهی پولک و فلس ندارد و نمی شود آنها را خورد. «فیكونان خارجین عما نحن فيه تخصصا». فرموده اند آن سگ و خوک دریایی تخصصا از ما نحن فيه خارج است. پس بحث در سگ و خوک بری است.

بررسی بیع سگ

اول: مسئله سگ: شیخ(ره) می فرماید که تکسب به کلب هراش حرام است. برای سگ انواعی ذکر شده است کلب هراش - که اسم دیگرش عقور است - کلب صید و حائط و حارث و ماشیه هم داریم. آنچه که شیخ(ره) در میان اقسام کلاب می فرمایند این است که تکسب به کلب هراش حرام است.

علت عدم ذکر کلب در آیه قرآن

یک نکته تفسیری را عرض کنیم؛ در آیه شریفه قرآن که مکرر خواندیم «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنِيزِ» □ چرا صحبت لحم الکلاب نشده است، با اینکه خوردنش مانند خنزیر حرام است؟ یک وجهش این است که بگوییم لحم الکلب هم در مطلق میده داخل است. وجه دیگر این است که بگوییم اصلا در هیچ زمانی، یا لا اقل در بین عرب جاهلیت و افرادی که در زمان نزول این آیه شریفه بوده اند لحم الکلب متعارف نبوده و اکنون نیز لحم الکلب متعارف نیست، منتهی گوشت خنزیر را در کشورهای غربی فراوان استفاده می کنند. لذا وجه اینکه در آیه شریفه صحبتی از لحم الکلب به میان نیامده یکی از این دو وجه است.

معنی هراش

هراش یعنی وقتی که دو خروس به جنگ یکدیگر می افتند، عرب می گوید «یتهارشان» یعنی این دو در حال مقاتله هستند و مهارشه می کنند. هراش آن سگی است که تحریک می شود و یا بدون تحریک است، ولی نکته ای وجود دارد که ذات سگ این است که هراش است، الا اینکه او را برای صید یا حراست یا ذرع یا بستان تربیت دهند اما اگر او را تعلیم ندهند ذاتش این است که حالت تهاجمی دارد و پرخاشگر است. هراش با «ه» داریم و حراش با «ح» داریم. عرب وقتی می خواهد بگوید بین دو خروس هراش وجود دارد با «ه» می آورد. اما برخورد و منازعه دو آدم که به جان هم می افتند را عرب حراش با «ح» می آورد و احترام قائل است.

کلمات علماء در بیع سگ

در باب اقسام کلب - وقتی کلمات فقها را ببینیم - فقها می گویند بیع کلب هراش جایز نیست. کلب صید سلوقی - سلوق قریه ای بوده در یمن که سگ ها را خوب تربیت می کردند که شکاری شوند - در روایات آمده که بیعش مانعی ندارد. سگهای دیگری که سگ غیر سلوقی یا سگی که عنوان حارث را دارد، آیا بیع اینها جایز است یا نه؟ باید مقداری عبارات فقها را ببینیم که از عبارات فقها تقریبا استفاده می کنیم که نسبت به کلب هراش هیچ اختلافی بین فقها وجود ندارد.

عبارت مرحوم شیخ(ره) در خلاف

مرحوم شیخ در کتاب خلاف فرموده «جوز بيع كلاب الصيد» بيع كلاب صيد جایز است «و يجب علي قاتلها قيمتها اگر کسی كلب صيد را كشت باید قيمتش را بدهد و ضامن است اذا كانت معلمة ولا يجوز بيع غير الكلب المعلم علي حال» بيع غير كلب معلم جایز نیست .

به نظر مي رسد كه اين عبارت شيخ دقيق ترين عبارات در بين عبارات فقها است، ولو اینکه در عبارت شيخ انصاري در مكاسب يا فقهاي ديگر مسئله را روي كلب هراش يا كلب صيد آورده اند. ما بايد اصلا تقسيم اصلي را روي كلب معلم و كلب غير معلم ببريم. سگ به ذاته هار است، هراش و عقور است، اگر او را تعليم دهند ياد مي گيرد. اينطور نیست كه بگويم هراش يا صيد موضوعيت دارد.

اين عبارت مرحوم شيخ طوسي(ره) مسئله را روي معلم و غير معلم بودن سگ مي آورد و مي گويد «ولا يجوز بيع غيرالكلب المعلم علي حال» در هيچ حالي جایز نیست. «و قال ابو حنفيه» - اين عبارت شيخ در خلاف است چون شيخ طوسي(ره) مسائل خلافي بين شيعة و اهل سنت را در كتاب خلاف عنوان کرده است و دليل شيعة را ذکر کرده است - «و قال ابو حنيفة و مالک» آنها گفته اند «يجوز بيع الكلاب مطلقا» مطلقا گفته اند چه معلم و غير معلم «الا أنه مكروه. فان باعه صح البيع ووجب الثمن، وان اتلفه متلف لزمته قيمته» اگر کسی سگ را تلف کرد باید قيمتش را بدهد.

«و قال الشافعي لا يجوز بيع الكلاب، معلمة كانت او غير معلمة ولا يجب علي قاتلها القيمة» شافعي مي گويد مطلقا بيع كلاب جایز نیست چه معلم و چه غير معلم، ابو حنيفة و مالک مي گويد بيع كلاب جایز است، و شيعة اثني عشري مي گویند بيع كلب معلم جایز است و غير معلم جایز نیست.

مرحوم شيخ در كتاب نهايه وقتي مكاسب محظوره - ممنوعه - را بيان مي كند، مي فرمايد «وكذلك ثمن الكلب الا ما كان سلوكيا للصيد» اين ديگر تعبد به روايت است، در روايت دارد كلب سلوقي براي صيد. مرحوم شيخ صدوق(ره) در مقنعه مي فرمايد «و ثمن الكلب حرام الا ما كان سلوكيا للصيد» علامه(ره) در كتاب منتهي فرموده «و قد اجمع علمائنا علي تحريم بيع ما عدا كلب الصيد والماشية والزرع والحائط من الكلاب»، علماي ما اجماع دارند كه اگر كلب، كلب صيد يا ماشيه يا ذرع يا حائط نباشد، بيعش حرام است . تعبير «اجماع» دارد در كتاب تذكره فرموده «الكلب ان كان عقورا» كه همان هار است «حرم بيعه عند علمائنا».

نتيجه بررسي

ما وقتي بخواهيم در كلمات فقها جمع بندي كنيم؛ گاهي بين معلم و غير معلم تفصيل داده شده است و گاهي فقط صيد سلوقي استثناء شده است و گاهي فقط گفته اند عقور حرام است. نتيجه اي كه از عبارات فقها گرفته مي شود، وقتي مي بينيم يكنواخت نیست، بايد بين عبارات جمع كنيم، بگوئيم آنجايي كه مي گویند عقور، يعني غير معلّم و ذات سگ هم همین است، و در عرف مردم هم به کسی كه خيلي عصباني است مي گویند چرا مثل سگ مي ماني، چه اخلاقي است؟

. ذات سگ اين است كه عقور و هار است ، اگر او را معلّم كردند، اين مي شود براي صيد و امور ديگري كه هست. و باز نکته اي كه وجود دارد اين است كه آيا ملاك اين است كه هاري او گرفته شود، مثلا سگي را كنترل كنند كه ديگر هار نباشد ولي فايده هم ندارد، يا معلم بودن خصوصيت دارد، كه ظاهر عبارات اين است كه سگ بايد معلم باشد تا بيعش جایز باشد . اگر به سگي آمپولي تزريق كردند و هاري خود را از دست داد اما معلّم نیست، از موارد ممنوعه است و ملحق به آن است . ما وقتي

عبارات فقها را می بینیم، جواز روی بیع کلاب معلمه و کلابی که تعلیم داده شوند و غرض عقلایی روشنی بر آنها داده شود آمده است . این نتیجه ای است که از کلمات فقها گرفته می شود.

ادله حرمت بیع کلب

در ما نحن فیه برای حرمت و عدم جواز بیع کلب هراش یا عقور، مجموعاً به دو دلیل استدلال شده است؛ یکی به اجماع و دوم به روایات .

بررسی اجماع در مسأله

اجماع، مثل اجماعی که علامه در منتهی بیان کرده است، یا وقتی خودمان کلمات فقها را تماماً ببینیم چنین اجماعی وجود دارد که اجماع بر بطلان و حرمت بیع کلب غیر معلم است، هم حرمت تکلیفی و هم حرمت وضعی، لکن چون این اجماع ممکن است مستند به روایاتی باشد که می خواهیم بخوانیم، اجماع می شود محتمل المدرک و اجماع مدرکی است و تعبدی نیست و اصالت ندارد، بنابراین باید اجماع را کنار گذاشت و سراغ روایات رفت. در کتاب وسائل الشیعه، چاپ جدید، ج 17 روایاتی که مربوط به سگ است در سه باب آمده است، باب 16 و 14 و 5 آمده است، ملاحظه فرمایید .

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.